



## ملاحظاتى بر كتاب «اعلام الشيعة»

عبدالحسين واعظ

### مقدمه

کتابى در زمينه رجال و تراجم علمای شيعه با نام *اعلام الشيعة* تأليف جناب آقاى دکتري شيخ جعفر مهاجر حفظه الله از منشورات «دارالمؤرخ العربى» در بيروت به سال ۱۴۳۱ق و در سه جلد به طبع رسیده که شامل شرح حال مختصر بسيارى از علما و ادبای شيعه مى باشد و پيداست که مؤلف در جمع آورى اين سرگذشت نامه ها بسيار تلاش کرده است. از ويژگى اين کتاب منابع و مآخذى است که مؤلف پس از هر شرح حال آورده است، لذا مراجعه کننده مى تواند براى تفصيل بيشتري به اين منابع رجوع کند. تحقيق و نگارش در اين زمينه نياز به دقت علمى و حوصله فراوان و تتبع دقيق دارد که مبدا ناخواسته و غافلانه، اشتباهى روى دهد و بر اشتباهات و اغلاط تراجم موجود بيفزايد. نويسنده در اين عرصه خود را ميان انبوهى از سرگذشت نامه ها و شخصيت هاى علمى مى بيند که تدوين اين همه معلومات نياز به اراده قوى و احاطه فکرى به آثار و تواريخ قدما دارد. و ما اين سعى و کوشش و تلاش مؤلف را گرامى مى داريم و از خداوند متعال توفيقات روزافزون را براى ايشان مسئلت مى نماييم. در طى مطالعه اين کتاب به برخى از اشتباهات برخورددم و در مقاله هاى که پيش رو داريد، اين حواشى و ملاحظات را در هشت بند گنجانده ام که شايد تذکرى باشد براى محققان و پژوهندگان.



اولاً: سرگذشت یک شخص چند مرتبه تکرار شده و یا بین دو شخص خلط شده است.

از جمله تبعات این نحو اشتباهات در ترجمه‌نگاری پیدایش شخصیتی است که وجود خارجی ندارند. از جمله موارد ذیل:

۱. احمد بن حسن نحوی حلی همان احمد بن حسن حلی است که در (ص ۱۵۸) گذشت.

۲. احمد بن حمزة بن الیسع بن عبدالله بن سعد اشعری در دو عنوان به شماره‌های (۳۱۷/أ ص ۱۷۳) و (۳۱۶/أ ص ۱۷۲) تکرار شد.

۳. شیخ نجاشی رجالی معروف در دو عنوان: احمد بن العباس النجاشی (ص ۱۸۸) و احمد بن علی النجاشی (ص ۲۱۵) ترجمه شده.

۴. مؤلف بین «احمد بن فهد احسائی» و «احمد بن فهد حلی» خلط کرده، و در مآخذ ترجمه این دو شخص نیز به اشتباه افتاده است.

۵. احمد بن محمد مرزوقی که در ص (۲۶۳) ترجمه شده همان احمد بن اصفهانی است که در (ص ۲۳۱) می‌باشد.

۶. باقر بن محمدعلی قاضی تبریزی (ص ۳۴۱) همان محمدباقر بن محمدعلی قاضی تبریزی (ص ۱۱۸۷) می‌باشد.

۷. محمداسماعیل بن محمدعلی محلاتی (ص ۱۱۶۷) همان اسماعیل بن محمدعلی محلاتی (ص ۳۲۰) می‌باشد.

۸. محمدباقر بن محمدتقی اصفهانی (ص ۱۱۸۳) همان محمدباقر بن محمدتقی ایوانکیفی اصفهانی (ص ۱۱۸۴) می‌باشد.

۹. محمد بن مهدی الکواز (ص ۱۴۳۰) همان حمادی بن مهدی الکواز (ص ۵۸۳) می‌باشد.

۱۰. هادی مهدی سبزواری (ص ۱۵۳۹) همان محمدهادی بن مهدی سبزواری (ص ۱۴۳۹) می‌باشد.

ثانیاً: در ترجمه بعضی از شخصیت‌های اسلام لغزش‌هایی روی داده که ناشی از عدم دقت و بی‌احتیاطی در نقل است.

از جمله در ترجمه حضرت سکینه دختر امام حسین علیها السلام می‌نویسد:  
وكان الشعراء والأدباء يتوافدون على بابها فتجيزهم. وأخبارها معهم في الأغاني. تزوجها ابن عمها عبدالله بن الحسن فقتل مع أبيها قبل الدخول. ثم تزوج بها مصعب بن الزبير فقتل، ثم تزوجها غير واحد... .  
آنچه در این گفتار ملاحظه می‌کنیم به چند نکته زیر خلاصه می‌شود:  
اولاً: آنچه که از *أغاني ابوالفرج اصفهانی* نقل شده که حضرت سکینه علیها السلام با شعراء و ادبا و خماران مجالست و منادمت می‌کرد از دروغ‌های بی‌پایه و اساس و تهمت‌های ناروای امویان و زبیریان است که با سوء استفاده از هم‌نام بودن حضرت سکینه خاتون با سکینه دختر خالد بن مصعب زبیری که از مطربان و رقاصه‌های عصر خود بوده می‌باشد.

ثانیاً: از دیگر دروغ‌های زبیریان حدیث جعلی از دواج آن حضرت با چند تن از مردان عیاش همچون مصعب زبیری است که بازهم مؤلف بدون هیچ تأملی آن را نقل کرده است که جای تأسف دارد. در حالی که آنچه مسلم است اینکه آن حضرت با غیر از عبد الله الأكبر بن الحسن ازدواج نکرده است. برای تفصیل به کتاب‌های زیر مراجعه شود.

- *السيدة سکینه* تألیف سید عبدالرزاق مفرم.

- *عقیلة الهاشميين* تألیف سید محمدعلی حلو.

- *السيدة سکینه* تألیف توفیق الفکیکی.

نمونه‌ای دیگر از این اشتباهات در ترجمه ام‌کلثوم بنت علی رخ داده که مؤلف می‌نویسد: «تزوجها عمر بن الخطاب.» و گفته: «لا ذکر لتاریخ وفاتها» و این حضرت را از دختران حضرت زهرا علیها السلام دانسته است.

در حالی که حدیث ازدواج حضرت ام‌کلثوم با عمر بن خطاب از احادیث موضوعه است که علما ده‌ها کتاب و رساله در ردّ و مناقشه این حدیث نگاشته‌اند و در اصل این ازدواج یا اینکه خطبه‌ای بیش نبوده و آیا دختر امیرالمؤمنین بوده یا نه، و یا کدامین دختر حضرت امیرالمؤمنین بوده اختلاف شدید میان مورخان و علما

وجود دارد که جزم به این قضیه نادرست است، و بر فرض صحت قطعاً از دختران حضرت زهراء علیها السلام نبوده است.

ثالثاً: اشتباهات و اغلاط عربی و ادبی در این کتاب زیاد به چشم می‌خورد، از جمله:

۱. (ص ۱۵) وقبره فی قبرستان شیخان. صحیح: مقبرة شیخان.
۲. (ص ۳۱۱) بقی فی دست الوزارة ثمانية عشر سنة. صحیح: ثمانی عشرة سنة.
۳. (ص ۸۳۱) ... زهاء الثمانی سنوات. صحیح: ثمان سنوات.
۴. (ص ۸۸۲) ماذا تبدل غیر توزیع الروا تب والرتب صحیح شعر چنین است:  
ماذا تبدل غیر تو زیع الرواتب والرتب
۵. (ص ۱۲۱۵) وقد نشر دفتر تبلیغات الحوزية العلمية. صحیح: مکتب الإعلام الإسلامی.  
رابعاً: در تراجم‌نگاری، اسامی کتب و مؤلفات از اهمیت بالایی برخوردارند، ولی در این کتاب در مواردی نام‌های مؤلفات یا اشتباه ذکر شده یا چند بار تکرار شده، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:
۱. (ص ۱۸) قوامیس القواعد ← القوامیس، مؤلف خود این کتاب را چنین نامیده و نام برده است.
۲. (ص ۳۵) حاشیة علی شرح الإشارات، همان الأنموذجية الإبراهيمية است که تکرار شده.
۳. (ص ۴۹) اللجنة الباقية والمجنة الواقية ← جئة الأمان الباقية و جئة الإيمان الواقية.
۴. (ص ۱۷۷) الأسی والحزن، همان الرثاء والأسی می‌باشد.
۵. (ص ۲۰۵) الصلاة ← کتاب الصلاة. الكافي فی اللغة ← الكافي فی الفقه.
۶. (ص ۳۸۳) اللهنة فی المنطق ← الكهنة أو النكهة فی المنطق.
۷. (ص ۳۸۸) شرح کتاب البیع، همان شرح قواعد العلامه است که تکرار شده.
۸. (ص ۴۷۷) تحفة الأبرار فی اصول الدين ← تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار.

۹. (۷۴۷) لبّ اللباب فی ذکر السادة الأنجاء خ ← تحفة لبّ اللباب فی ذکر السادة الأنجاء ط.
۱۰. (۸۸۳) جل الفوائد فی شرح الفوائد ← کنز الفوائد.
۱۱. (ص ۹۲۴) الخيارات ← شرح خيارات لمعة.
۱۲. (ص ۹۳۹) وسیلة الدارين فی التاريخ والأدب ← وسیلة الدارين فی مرآة أهل البيت.
۱۳. (ص ۱۰۰۹) المقالات الأصولية ← مقالات الأصول.
۱۴. (ص ۱۱۸۱) در مؤلفات میرداماد، تقویم الايمان و عیون المسائل این دو اثر را دو مرتبه ذکر کرده.
۱۵. (ص ۱۱۹۷) تعلیقة على شرح المنظومة غرر الفوائد فی الفلسفة ← درر الفوائد و هی تعلیقة على شرح المنظومة.
۱۶. (ص ۱۵۲۴) شرح عوالی اللثالی ← الجواهر الغوالی فی شرح عوالی اللآلی. أنس الوحید ← أنیس الوحید.
۱۷. (ص ۱۳۲۴) غوالی اللآلی ← عوالی اللآلی.
- خامساً: گاه دیده می شود که آثاری را به غیر از مؤلف آن‌ها نسبت داده، از جمله:
۱. در ترجمه میرزا ابوالقاسم نوری طهرانی چند کتاب از جمله الدرالفتیق و شفاء الصدور و میزان الفلاح و صدح الحمامه را به او نسبت داده که همه از تألیفات فرزند برومندش میرزا ابوالفضل تهرانی است.
۲. از مؤلفات سید حامدحسین لکهنوی هشت کتاب را ذکر کرده که همه از تألیفات علامه سید میر محمدعباس شوشتری جزائری لکهنوی است از جمله (الشعلة الجوالته-شمع المجالس-شمع ودمع-العشرة الكاملة-الطارق-الظل الممدود...)
۳. در مؤلفات سیدمحمد بن جمال‌الدین هاشمی گلیایگانی کتاب روائع الأمالی ذکر شده که از تألیفات آقا ضیاء‌الدین عراقی است. و فقط مرحوم هاشمی مقدمه‌ای برای این کتاب نگاشته.
۴. در ترجمه شیخ محمدحسن مامقانی به او نهایتاً/المقال نسبت داده که از تألیفات فرزندش شیخ عبدالله مامقانی است.

۵. همچنین از تألیفات شیخ محمدحسن علیاری بهجة الآمال ذکر کرده که تألیف والد ماجدشان شیخ علی علیاری است.

سادساً: نام‌های بعضی از مترجمین اشتباه آمده و یا در نسب و نسبت آنان اشتباه شده، مانند:

۱. (ص ۶۷) أبوبکر بن الحسن بن علی عليه السلام ← عبدالله الأكبر وکنيته أبوبکر.
  ۲. (ص ۲۶۰) احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد الأشعری عرف بأبي جعفر ← کنيته أبوجعفر.
  ۳. (ص ۳۴۱) باقر بن محمد مهدی الزنجانی. صحیح: میرزا محمدباقر بن محمد مهدی الزنجانی است. همچنین از مشایخ و اساتید این بزرگوار اخویشان (شیخ محمدحسین) و (شیخ عبدالرحیم طائی) را نام برده که صحیح (شیخ محمدحسن و شیخ عبدالرحیم طارمی) است.
  ۴. (ص ۸۳۴) عبدعلی بن محمد الحمایسی. مؤلف گوید: «الحمایسی. هذه النسبة لاتعرف لماذا» در حالی که در «الحمایسی» نسبت به قبیله «الحمایسین» است. برای توضیح بیشتر به کتاب ماضی النجف وحاضرها (ج ۲، ص ۲۵۰) مراجعه شود.
  ۵. (ص ۱۰۱۶) علی بن محمود الحمصی الرازی. مؤلف گوید: «الحمصی نسبة الى حمص في وسط الشام، أصله منها، واستوطن الري، فنسب إليها أيضاً».
- صحیح: الحمصی نسبت به «حمص» به معنای نخود است که مربوط به شغل مترجم بوده و مترجم از ری بوده و هیچ گونه نسبتی به حمص وسط شام ندارد. برای تفصیل مراجعه شود به مجله علوم حدیث و جرعه‌ای از دریا (ج ۱، ص ۵۲-۵۸).
- گفتنی است که همین اشتباه در ترجمه والد مترجم (سیدالدین محمود حمصی) نیز تکرار شده است.
۸. (ص ۱۰۲۷) در ترجمه سیدعلی نقی لکهنوی می‌نویسد: «درس علی والده أبي الحسن إبراهيم».
  - صحیح: أبي الحسن بن ابراهیم بن محمدتقی.
  ۹. (ص ۱۴۰۸) محمد بن محمد العریضی العاملی. مؤلف می‌نویسد: «لم نهند الى وجه هذه النسبة. وليس هو بالتأكيد من السادة الحسينيين العريضيين».

«عریضی» نسبت به منطقه «عریض» است که در نزدیکی مدینه منوره می باشد. از جمله منتسبان به این منطقه سیدعلی عریضی فرزند امام صادق علیه السلام و سیداسحاق عریضی فرزند عبدالله الاجود بن جعفر الطیار بن ابی طالب است.

۱۰. (ص ۹۷۰) علی بن عبدعلی الخاقانی. مؤلف می نویسد: «الخاقانی علم علی أسرة أنجبت عدداً كبيراً من أهل العلم والأدب». در حالی که مترجم از خاقانیون نبوده و نسب صحیح فتلی یا فتلاوی است که به آل فتله می رسد.

۱۱. (ص ۱۵۵۸) هشام بن محمد بن سائب کلبی. مؤلف می نویسد: «الکلبی نسبة الى كلب القبيلة مولاهم». مترجم از صلب قبيله بوده و مولی نمی باشد.

۱۲. (ص ۱۰۷۶) سید فضل الله بن علی الحسینی. صحیح: الحسنى. سابعاً: مواردی از تواریخ این کتاب نادرست و غلط است که نیاز به مراجعه دارد. به چند نمونه اشاره می شود.

۱. (ص ۴۳۸) حسن بن آقابزرگ بجنوردی. تاریخ ولادت را (۱۳۱۶) رقم زده که صحیح (۱۲۱۰) می باشد. همان طور که فرزند مترجم سیدمحمد بدان اشاره کرده.  
۲. (ص ۱۰۲۷) در ترجمه سید علی تقی لکهنوی دو تاریخ اشتباه ذکر کرده؛ یکی تاریخ وفات استادش علامه سید محمدصادق بحرالعلوم (۱۳۹۷هـ) ذکر کرده که صحیح آن (۱۳۹۹) است.

همچنین سال برگشت وی به هند را (۱۳۵۴هـ) ذکر کرده در حالی که سید محمدصادق بحرالعلوم که وی را در سفرش مشایعت کرده سال برگشتش را (۱۳۵۰هـ) ذکر کرده.

۳. علی بن احمد بن خاتون عینائی مترجم در (ص ۹۱۲) مؤلف سال وفاتش را حدود (۹۸۸هـ) نوشته در حالی که مترجم تا سال (۱۰۳۱) زنده بوده و در تاریخ مذکور اجازه ای نوشته است.

ثامناً: مؤلف در بعضی از احیان مطالبی بی اساس و بی پایه و تهمت هایی به علما زده که نقل آن شرعاً هم جایز نیست. و بعضی از این منقولات اگر هم واقعیت داشته باشد نباید در چنین کتاب هایی نقل شود که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. در ترجمه حسن بن علی بن عبدالعالی الکرکی (ح ۱۰۵) می‌نویسد: «لم یترجم له الحرّ العاملی فی امل الآمل، ولكنه ذکره فی کتابه الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه. وهذا من الحرّ المعروف عندنا یتجاهل من لا یعجبه موقف».
- بهتر بود در سبب عدم ترجمه این شخص در *أمل الآمل* غفلت را ذکر می‌کرد نه امری که اصلاً معروف نیست.
۲. مؤلف در ترجمه شیخ عبدالمهدی مطر تهمت‌هایی ناروا ذکر کرده که جای تأسف است.
۳. اما در ترجمه علامه فقید سید محمدصادق بحر العلوم می‌نویسد: «نشرت مکتبه فی النجف نشرًا سیئاً مجموعة من الکتب مصدره ب: «حققها وعلق علیها العلامة السید محمدصادق بحر العلوم» و لیس فیها من التحقیق الاّ الاسم».
- همه اهل خبره و تحقیق می‌دانند که علامه بحر العلوم در راه تحقیق میراث امامیه چه زحماتی دشوار کشیده که شایان تقدیر و تجلیل است. آیا درست است که کوشش ارجمند محقق را در تحقیق چندین متون قدیمی ارزنده که سابقاً به چاپ نرسیده و به حسب امکانات آن زمان و با سختی چاپ در آن دوران، خدمتی مفید و شایسته بوده «سیء» بنامیم؟ از انصاف به دور است که آن تلاش‌های مخلصانه را «نشر سیء» بخوانیم و این زحمات را هیچ شماریم.
- برای شناخت نقش علامه بحر العلوم در احیای آثار اسلامی به کتاب‌های زیر مراجعه کنید: *مکتبه العلامة السید محمدصادق بحر العلوم، معجم المطبوعات النجفیه، شیخ الوراقین*.
۶. در ترجمه شیخ هادی بن محمدامین طهرانی مؤلف می‌نویسد: «نسبت إليه أمور، منها أنه کان یستهین بمن سبقه من العلماء وأنه یحسن طریقه الشیخیه مما حمل البعض الی اعلان تکفیره».
- نقل چنین دروغ‌هایی اصلاً درست نمی‌باشد، بله مرحوم شیخ هادی در نقد اقوال علماء شدید بود. اما چگونه مؤلف به خود اجازه می‌دهد که تهمت شیخی بودن را به او نسبت دهد در حالی که علامه طهرانی کتابی در ردّ شیخیه نگاشته است. این گونه داوری‌ها صرف تجمیع و نقل مجرد از تحقیق و تأمل است.

